



## درباره کتاب «عطر سنبل، عطر کاج» شب آغاز هجرت آن‌ها

الهام اشرفی  
نویسنده

سال ۱۳۸۴ که نه کپشن اینستاگرامی بود و نه پست‌های چند خطی توثیتر و تعداد وبلاگ‌های شخصی هنوز آنقدر زیاد نبود که ما هر روز روزمرگی‌های یک نفر را بخوانیم و در لابه لای خطوط و واژه‌های همین روزمرگی‌های به ظاهر بی‌اهمیت، کلی حس‌های خنده، گریه، غم و چه‌وچه به روحمان نفوذ کند، کتابی منتشر شد که فقط و فقط با تبلیغ دهان به دهان و آندکی نوشته‌های مجله‌های آن موقع در دست اغلب کتابخوان‌ها و حتی کتاب‌نخوان‌ها دیده می‌شد. کتابی که اسم نویسنده‌اش هم تلفیق عجیبی بود از یک اسم ایرانی و فرانسوی (فرانسوی بودنش را به خاطر الکساندر دومای فرانسوی می‌دانستیم)؛ فیروزه جزایری دوما که گوید در دنیا به فیروزه دوما شناخته شده است. از عجایب دیگر کتاب برای آن سال‌ها این نکته هم بود که کتاب خاطرات یک ایرانی بود که در ایران «ترجمه» شده بود. کتاب «عطر سنبل، عطر کاج» با عنوان اصلی اش، «فارسی شکر



کتاب «عطر سنبل، عطر کاج» با عنوان اصلی اش، «فارسی شکر است»  
خاطرات فیروزه جزایری است از مهاجرت خودش و خانواده‌اش به آمریکا، کی؟ همان سال‌های قبل از انقلاب ایران

است» خاطرات فیروزه جزایری است از مهاجرت خودش و خانواده‌اش به آمریکا، کی؟ همان سال‌های قبل از انقلاب ایران

سال ۱۳۸۴ که نه کپشن اینستاگرامی بود و نه پست‌های چند خطی توثیتر و تعداد وبلاگ‌های شخصی هنوز آنقدر زیاد نبود که ما هر روز روزمرگی‌های یک نفر را بخوانیم و در لابه لای خطوط و واژه‌های همین روزمرگی‌های به ظاهر بی‌اهمیت، کلی حس‌های خنده، گریه، غم و چه‌وچه به روحمان نفوذ کند، کتابی منتشر شد که فقط و فقط با تبلیغ دهان به دهان و آندکی نوشته‌های مجله‌های آن موقع در دست اغلب کتابخوان‌ها و حتی کتاب‌نخوان‌ها دیده می‌شد. کتابی که اسم نویسنده‌اش هم تلفیق عجیبی بود از یک اسم ایرانی و فرانسوی (فرانسوی بودنش را به خاطر الکساندر دومای فرانسوی می‌دانستیم)؛ فیروزه جزایری دوما که گوید در دنیا به فیروزه دوما شناخته شده است. از عجایب دیگر کتاب برای آن سال‌ها این نکته هم بود که کتاب خاطرات یک ایرانی بود که در ایران «ترجمه» شده بود. کتاب «عطر سنبل، عطر کاج» با عنوان اصلی اش، «فارسی شکر



جلال احمد  
خبرنگار

شاید بتوان ادعا کرد که «دیدوبازدید» پرننگترین ترکیب واژگانی عبد نوروز است. پرننگ و پیرتکرار. اصلاً نوروز با این سنت است که جلوه و رونقی ویژه گرفته است. این ترکیب پر تکرار نوروزی علاوه بر هفت سین و ماهی و سبزه و آجیل و شیرینی، برای اهالی ادبیات با دآور عنوان کتابی از جلال آل احمد است.

«دیدوبازدید» یکی از آثار معروف جلال است. مجموعه داستانی که در سال ۱۳۲۴ منتشر شد و اولین مجموعه داستان منتشر شده از جلال آل احمد است.

این اثر که در ابتدا با ۱۱ داستان و بعد از چاپ هفتم با ۱۲ داستان کوتاه به چاپ رسید؛ عنوان خود را از داستان اول وام گرفته است.

آل احمد در داستان اول این مجموعه به شرح احوال جوانی در یک میهمانی می‌پردازد. جوانی که در دیدوبازدیدهای نوروزی به محفلی وارد می‌شود که جمعی از بزرگان و معاریف و مشاهیر در آن حضور دارند. جلال در این داستان سعی می‌کند با دقت به شرح جزئی‌ترین وقایعی بپردازد که ممکن است در چنین شرایطی برای جوانی که تازه پا به عرصه اجتماعی گذاشته است رخ دهد.

این داستان که می‌توانیم آن را مهم‌ترین اثر این مجموعه بدانیم؛ داستانی گفت‌وگومحور است. ما با خواندن گفت‌وگوهای میان افراد حاضر در میهمانی به نکات مهمی که نویسنده سعی دارد به آنها اشاره کند، پی می‌بریم. به بیانی کامل تر اساس گفت‌وگوهایی که او در این داستان پی‌ریزی کرده؛ بیان مسائلی پیرامون وضعیت اجتماعی و سیاسی مملکت است و در حقیقت پیش‌روی پیرنگ در این اثر بردوش گفت‌وگوهاست.

جلال در این داستان و داستان‌های دیگر این مجموعه، مطابق سبک نویسندگی خاص خودش، که در آثار بعدی‌اش به بلوغ و تکامل می‌رسد؛ با زبانی ساده و کاملاً واقع‌گرایانه به نقد مسائل اجتماعی پرداخته است. زبان آل احمد را می‌توان امضای او دانست. اگرچه هر نویسنده‌ای زبان خاص خود را دارد که معرف سبک اوست؛ نشر جلال در این منحصربه‌فرد بودن شهره‌تراز سایر هم‌نسلاان‌ش است. در واقع هر کسی که چند تا از کتاب‌های او را خوانده باشد به راحتی می‌تواند اثر او را تشخیص دهد.

این زبان و نثر ویژه در همان آثار ابتدایی او، که داستان‌های همین مجموعه را نیز شامل می‌شود، کاملاً بارز است. استفاده از اصطلاحات عامیانه، نیمه‌کاره‌ها کردن برخی جملات و عبارات، صراحت در بیان مسائل سیاسی و اجتماعی با لحنی طعن‌آلود؛ همه از ویژگی‌های نثر جلال است.

اما پیرایه نیست که اشاره کنیم؛ در این اثر، جلال شاید به دلیل خامی قلم و کمی تجربه‌گانه در شیوه بیان معضلات و مشکلات به راه اغراق رفته است. به این معنی که آنچه قصد بیانش را در قالب داستان داشته، جایی بیرون داستان ایستاده است و در اثر، جای مناسب خود را پیدا نمی‌کند.

با این همه حرکت جلال در مسیر رئالیسم بر کسی پوشیده نیست. او با وجود خام دستی‌هایی که به آن اشاره کردیم؛ از همان آغاز راه نگارش داستان به واقعی‌ترین شکل ممکن به اصول واقع‌گرایی پایبند بود. داستان‌ها برش‌هایی از زندگی‌اند و آدم‌هایش جایی در جهان واقعی نفس می‌کشند.

سوتیتر: در این اثر، جلال شاید به دلیل خامی قلم و کمی تجربه‌گانه در شیوه بیان معضلات و مشکلات به راه اغراق رفته است. به این معنی که آنچه قصد بیانش را در قالب داستان داشته، جایی بیرون داستان ایستاده است و در اثر، جای مناسب خود را پیدا نمی‌کند.

# پایبند به اصول واقع‌گرایان

دیداری کوتاه با جلال آل احمد  
در «دیدوبازدید»

